

تحلیل سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها از منظر علم سیاستگذاری

چکیده

طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از جمله سیاست‌هایی بود که در دولت دهم پیگیری و تا حدی هم عملیاتی شد. فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی یا جناحی برای تحلیل این سیاست، مقاله پیش رو در نظر دارد این سیاست (خط‌مشی) را از منظر علم سیاستگذاری تحلیل و واکاوی کند. از آنجاکه هر سیاست از سه بعد تدوین، اجرا و ارزیابی قابل تحلیل است، این نوشتار تلاش دارد خط‌مشی تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها را از این سه بعد تحلیل کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مبانی یا قرائت‌های اسلامی و کنترل آسیب‌های اجتماعی از ادله و مبانی نظری تدوین این سیاست بوده‌اند. در حوزه اجرا نیز سیاست تا حدود زیادی به صورت «دفعی» اجرا شده است و در بعد «ارزیابی» هم از آنجاکه این سیاست به صورت ناتمام پایان می‌یابد، تحلیل جامعی از نتایج آن وجود ندارد و اظهارات موافقان و مجریان این سیاست از مثبت‌بودن آن در کاهش جرایم اجتماعی در دانشگاه حکایت دارد.

مبنای تئوریک تحلیل‌های این مقاله، پست‌مدرنیسم نیست؛ اما تلاش شده است خوانش‌های این مکتب هنگامی که به تحلیل سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها می‌پردازد، هم تشریح شوند.

■ واژگان کلیدی:

سیاست (خط‌مشی)، تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها، تدوین، اجرا، ارزیابی.

میثم قمشیان

دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
meysamqom@yahoo.com

مقدمه

طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها از جمله طرح‌هایی بود که در دولت دهم به صورت عملیاتی در برخی از دانشگاه‌ها انجام شد. این طرح البته پیش از آن نیز در برخی دانشگاه‌های تک‌جنسیتی انجام شده بود؛ حتی برخی دانشگاه‌ها نظیر دانشگاه امام صادق - علیه‌السلام - دو واحد مجزا برای دختران و پسران را راه‌اندازی کرده بودند. این طرح ناظر به دانشگاه‌هایی بود که تا پیش از آن هر دو جنس در بسیاری از دروس به صورت مختلط بر سر کلاس حاضر می‌شدند. بر این طرح انتقادهای فراوانی وارد شد و سبب ایجاد برخی جریان‌های رسانه‌ای و سیاسی در کشور هم گردید. از طرف دیگر موافقان این طرح بر اساس برخی ادله و آمار از آن دفاع می‌کردند. این دفاع‌ها و انتقادهای جنبه‌های مختلفی داشت؛ رویکردهای دینی تا سیاسی، جامعه‌شناختی و غیره. این مقاله در صدد است از منظر علم سیاست‌گذاری گزارشی از زمینه بحث ارائه دهد و با تأکید بیشتر بر چگونگی شکل‌گیری این سیاست، به اجرا و ارزیابی آن هم‌گذری داشته باشد. به نظر می‌رسد بحث تفکیک جنسیتی را می‌توان در هندسه معرفتی زیر جستجو کرد:

۱. نسبت آن با مسئله اسلامی شدن دانشگاه‌ها؛
۲. نسبت آن با سایر نهادهای اجتماعی و پیامدهای فرادانشگاهی آن؛
۳. بررسی میزان خلوص افراد به لحاظ ایمانی در جامعه هدف سیاست‌گذاری.

تاریخچه بحث

تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها از موضوعاتی است که اگر چه از ابتدای انقلاب اسلامی مطرح بود، در دولت دهم به صورت جدی‌تری مطرح و در برخی از دانشگاه‌ها هم اجرایی گردید. تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها در ادامه بحث اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها مطرح می‌شود. اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها نیز طبیعتاً امری است که از ابتدای انقلاب اسلامی دغدغه ذهن مسئولان ذی‌ربط بوده است. در دهه هفتاد با تأکیدات رهبری «ستاد اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها» در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل شد؛ سپس در سال ۷۶ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به «شورای

اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» به عنوان یکی از شوراهاى اقماری شورای عالی تغییر نام داد.

شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مأموریت خود را چنین می‌داند:

شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها قوه عاقله‌ای است که با درک صحیح و جامع از ابعاد مفهوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و شناخت دقیق از وضعیت موجود این حوزه، اقدام به تدوین سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های مناسب نموده و با نظارت کمی و کیفی بر حسن انجام برنامه‌ها، دستگاه‌ها و نخبگان را در طی این فرایند، راهبری می‌نماید.

همچنین این شورا در پایگاه خود سندی با عنوان «سند دانشگاه اسلامی» منتشر نموده است. البته تفکیک جنسیتی - که در ادامه بحث اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها مطرح شده است - در سند مذکور به صورت مصرح جایی ندارد و احتمالاً در ذیل اصل محیط تعریف شده باشد. به عبارت دیگر اسلامی شدن دانشگاه‌ها اجتهادی است که از متن سند صورت گرفته است و خود متن تصریحی به آن ندارد.

موقعیت بحث تفکیک جنسیتی

طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها می‌تواند در یک سو «سیاستگذاری عمومی» (Public Policy Making) تلقی شود و در سوی دیگر «سیاستگذاری فرهنگی» (Cultural Policy Making). در میانه این دو هم «سیاستگذاری اجتماعی» (Social Policy Making) قرار می‌گیرد. در این مقاله تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها ذیل عنوان سیاستگذاری اجتماعی تحلیل می‌شود.

سیاستگذاری عمومی سیاستگذاری اجتماعی سیاستگذاری فرهنگی



ارزش‌ها و سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها

همچنان‌که در مبانی فکری سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها آمد، مبانی «اسلامی» در موافقان این سیاست یا دست‌کم قرائت‌های آنان از اسلام، نقش «ارزش‌ها» را در تعیین یک خط‌مشی به‌خوبی نشان می‌دهد. ارزش حجاب، ارزش ارتباط کم نامحرم با یکدیگر و درنهایت ارزش هدایت جامعه به سمت رعایت احکام اسلامی از جمله این ارزش‌ها در پیش‌زمینه فکری تدوین این سیاست است.^۱

اگر مراد از طرح تفکیک جنسیتی، کنترل برخی رفتارهای افراطی و مجرمانه در خصوص روابط میان دو جنس باشد، اصولاً این سیاست اولاً و بالذات فرهنگی نبوده، مقوله‌ای امنیتی تحلیل خواهد شد که تنها داشتن «پیوستی فرهنگی» برای آن متصور است.

پست‌مدرنیسم

این مقاله بر آن است نه بر «مبنای» پست‌مدرنیسم که با بهره‌گیری از «بناهای» ساخته‌شده توسط آن،^۲ برخی تشکیک‌ها را به طرح تفکیک جنسیتی وارد کند. اینکه می‌توان علی‌رغم یا علاوه بر مباحث تئوریک اسلامی و حتی آسیب‌شناختی، از جنبه‌های دیگری نظیر «قدرت» یا «سیاست» هم به این خط‌مشی نظر انداخت. به باور هابرماس پست‌مدرنیسم توجیهی فلسفی برای محافظه‌کاری سیاسی و اجتماعی است (فیتز‌پاتریک، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴). مراد از محافظه‌کاری در اینجا آن است که حفظ شرایط موجود برای سیاستمداران مهم‌تر است از اینکه بخواهند بر اساس اصول خود حکمرانی کنند که در این صورت ممکن است جامعه با آنان همراهی نکرده، آنها حکومت را از دست بدهند؛ مثلاً اگر چه معتقد به اقتصاد بازار آزادند، با اصول پست‌مدرنیستی و تشکیک‌های آن بر این اصول، آن را تعدیل می‌کنند و به خدمات رفاه، بیشتر تن می‌دهند.

در حوزه فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی هم این «بی‌اصالتی»، چه در عرصه عمومی و چه در

۱. بیان این ارزش‌ها به معنای تأیید یا رد این برداشت‌ها از اسلام نیست و هدف در اینجا صرفاً گزارشی از واقعیت در تحلیل نگارنده است.

۲. زیرا بسیاری از مبانی فکری آن با اندیشه اسلامی تنافر دارد و بنابراین در این مقاله صرفاً از برخی بناهای ساخته‌شده به وسیله این جریان استفاده می‌شود.

نخبگان سیاستگذار، خود را نشان داده است. «فرهنگ‌های ما مملو از سطحیات، چندرگه‌ای بودن، بسته‌بندی مجدد، تقلید، التقاط و نمایش است» (همان)؛ بنابراین «تعیین» از نوع مدرنیستی آن در بحث فرهنگ، با این رویکرد فکری منتفی خواهد بود (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷) و در نتیجه سیاستگذاری فرهنگی در این فضا هم با تغییرات گفتمان‌مند و تحت تأثیر شرایط همراه خواهد بود.^۱

اصول پست مدرنیسم عبارت‌اند از:

۱. اصل فراگیری را رد می‌کنند.

۲. باور دارند حقیقت بافت‌مند است.

۳. بنیادگرایی و ذات‌گرایی را رد می‌کنند.

۴. از تمایزهای دوگانه پرهیز می‌کنند.

۵. طرفدار سیاست هویتی‌اند.

۶. از طنز و تفاوت (Irony and difference) استقبال می‌کنند (فیتزپاتریک، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

رد دربرگیری و شمول و شکستن ساختارهای فکری تثبیت‌شده (Sustain) در قبل، از دیگر

ویژگی‌های پست‌مدرنیسم است (موسوی شفاپی، ۱۳۸۴).

پست‌مدرن‌ها این عقیده را که ارزش‌ها، قضاوت‌ها و گزاره‌های خاصی در همه زمان‌ها و مکان‌ها در تمام جهان صادق‌اند، رد می‌کنند. برای منتقدان پسامدرنیسم همچون کریستوفر نوریس (Christopher Norris) این موضوع ناچار به نسبی‌گرایی می‌انجامد؛ عقیده‌ای که می‌گوید هیچ معیار کلی‌ای برای اخلاق و حقیقت وجود ندارد؛ اما ریچارد ررتی (Richard Rorty) به عنوان مدافع پسامدرنیسم معتقد است این جستجوی بی‌پایان در پی حقیقت مطلق است که نسبی‌گرایی را به وجود می‌آورد؛ یعنی اگر ما دست از جستجوی آنچه نایافتنی است برداریم، می‌توانیم از تمایز بی‌حاصل میان کلی‌گرایی و نسبی‌گرایی فراتر رویم (فیتزپاتریک، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

۱. خط‌مشی تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها نیز ظاهراً در فضایی که تنها پست‌مدرنیسم می‌تواند به‌خوبی آن را تحلیل کند، تعیین شده است.

پست مدرنیسم و سیاستگذاری

جامعه متخصصان سیاست اجتماعی برای پرداختن به عقاید پسامدرنیستی، در ابتدا بی‌میل است؛ چراکه این مکتب پیش‌فرض‌های اساسی آنها را زیر سؤال می‌برد و بیش از حد انتزاعی است (همان، ۲۵۷)؛ لذا در عرصه عمل سیاستی چندان مفید به نظر نمی‌رسد؛ حتی آنها «با استقبال از نسبی‌گرایی، بافت‌مندی، ضدبنیادگرایی و ضد ذات‌گرایی، مفاهیم حقیقت و پیشرفت اجتماعی را تضعیف می‌کنند»؛ چراکه «قدر مسلم سیاست اجتماعی بر پایه این دیدگاه قرار دارد که چیزی مثل طبیعت بشری از نیازهای اساسی خاصی تشکیل شده است. کار نظام‌های رفاهی این است که آن نیازها را تحقق بخشند؛ اما اگر - آن‌طور که پسامدرنیست‌ها می‌گویند - طبیعت انسان یک قصه مدرنیستی باشد و اگر نیازها از راه زبان برساخته شوند تا اینکه طبیعی باشند» (همان)، پس تعیین خط‌مشی و سیاستگذاری در عرصه‌های عمومی یا اجتماعی و فرهنگی به چه معنا می‌تواند باشد؟

عده‌ای در پاسخ راهی میان‌ی را برگزیده‌اند و پست‌مدرنیسم را در حدی بهینه پذیرفته‌اند و اگرچه مبانی پرتردید آن را نمی‌پذیرند، از سؤالاتی که درباره نسبت‌های اجزای جامعه مطرح می‌کند، بهره می‌گیرند؛ مثلاً تا پیش از ورود پست‌مدرنیسم به عرصه سیاستگذاری عمومی، فقط عنصر طبقه مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما امروزه نژاد، جنسیت، مذهب، معلولیت و ملیت هم به عنوان عناصری از تحلیل وارد فرایند سیاستگذاری فرهنگی شده‌اند (فیتزپاتریک، ۱۳۹۱)؛ یعنی از طبقه اقتصادی «مرکززدایی» (De-centerization) شده است.

بنابراین بنای پست‌مدرنیسم - بر خلاف مبانی پرچالش آن - توانسته است برای سیاستگذاری عمومی مفید باشد.

پست‌مدرنیسم و سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها

عبارت «آنچه دست‌نایافتنی است» در معرفی پست‌مدرنیسم - که پیش‌تر آمد - به این نکته اشاره دارد که تیپ ایدئال نباید به عنوان هدف خط‌مشی‌ها در نظر گرفته شود. در بحث تفکیک

جنسیتی دانشگاه‌ها هم از آنجا که مهم‌ترین خاستگاه این خط‌مشی، اندیشه اسلامی است، باید دقت شود که با این تحلیل‌ها، تیپ ایدئال اسلامی و نهایت خلوص آن نباید جزو اهداف خط‌مشی تعیین شود؛ چراکه نهایت خلوص باید برای جامعه‌ای کاملاً «مخلص» غایت قرار گیرد و در جامعه‌ای همچون ایران ما و دانشگاه‌ها و دانشجوهایی آن، به نظر می‌رسد این درجه از خلوص دست‌نیافتنی باشد.^۱ در صورتی هم که آن را امری دست‌یافتنی بدانیم، باید سیاست‌ها از ابتدا با میزان خلوص فعلی افراد همخوانی داشته باشد؛ همچنان که در حدیث آمده است: «نا معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس قدر عقولهم» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۳ و کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۶۸ و ص ۳۷/ مجلسی، ۱۴۳۰، ج ۱۷، ص ۴۱). این حدیث می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاست‌گذاری ارائه دهد. جریان تفسیر «تنزیلی» قرآن نیز هنگامی که به عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی وارد می‌شود، سیاست‌گذاری مرحله به مرحله و گام به گام را با رعایت شرایط فرهنگی و مشروط به اثربخشی مرحله قبل توصیه می‌کند. این رویکرد به شدت مخالف سیاست‌هایی است که به دنبال ایجاد تغییرات دفعی در فرهنگ‌اند (بهجت‌پور، ۱۳۹۳)؛ بنابراین سیاست تفکیک جنسیتی و اجرای دفعی^۲ آن می‌تواند از منظر این رویکرد به چالش کشیده شود.

مراحل تحلیل یک سیاست

همچنان که در دانش سیاست‌گذاری مطرح است، هر سیاست در سه مرحله «تدوین (شکل‌گیری)» (Formation)، «اجرا» (Implementation) و «ارزیابی» (Assessment) قابل تحلیل است (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷).

شکل‌گیری و تحلیل سیاست نزد ذی‌نفعان

شکل‌گیری سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها، علی‌رغم مخالفانی که داشت، با تکیه بر مبانی

۱. در جامعه‌ای که رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - مدیریت آن را در دست داشتند هم تمامی افراد به نهایت خلوص دینی نرسیدند.

۲. دفعی بودن به معنای انجام سریع و بخشنامه‌ای یک سیاست اجتماعی بدون اقناع افرادی که مستقیماً مخاطب این سیاست‌اند.

تئوریک موافقان و قدرت اجرایی و سیاسی آنها- به صورتی که پیش تر آمد- انجام شد. اما از آن سو در سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاهها علاوه بر مراد سیاستگذاران و مجریان طرح، خوانش دیگران هم در آن مؤثر می‌افتد. این تأثیر خود را در بخش ارزیابی و حتی اجرا نشان می‌دهد. این موضوع در ادامه در بحث «اثرات نمادین» خواهد آمد.

بنابراین علاوه بر قدرت سیاسی و اجرایی طراحان خطمشی تفکیک جنسیتی در دانشگاهها، عوامل فراوان دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند در افکار عمومی، مخالفت‌هایی را با این خطمشی به وجود آورند و توجیه این افکار، خود یک گام از اجرای هر خطمشی به شمار می‌آید.

مبانی فکری و تئوریک تفکیک جنسیتی

اینکه ایده تفکیک جنسیتی در دانشگاهها از چه مبنای تئوریکی بهره می‌برد، امری نیست که به صورت مستقل بدان پرداخته شده باشد. برای کشف چنین مبنایی بهترین راه آن است که به ادله موافقان و گاه مخالفان این طرح رجوع شود. مباحث تئوریکی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، به علاوه مباحثی که در حوزه قدرت سیاسی و گفتمانی مطرح شد، «شکل‌گیری» سیاست تفکیک جنسیتی در دانشگاهها را تبیین می‌کند. در ادامه این مبانی فکری ذکر خواهد شد:

۱. مبانی اسلامی

آیت‌الله صافی گلپایگانی، از مراجع تقلید، در این باره می‌گوید: هزینه مالی اجرای تفکیک جنسیتی هر چه هم سنگین باشد، قابل تحمل است و ملت مسلمان ما که برای برقراری نظام اسلامی و احکام اسلام، دهها هزار شهید والا مقام تقدیم داشته‌اند، از این هزینه‌ها استقبال دارند و مسئولان باید از هزینه‌های غیرضروری و اسراف‌گرانه بکاهند و به این موارد حساس و اساسی اختصاص دهند. خداوند همه را در عمل به «وظایف شرعی» موفق بدارد.

حدادعادل هم درباره مبانی تفکیک جنسیتی این‌گونه سخن می‌گوید: «به عنوان یک مسلمان اعتقاد دارم در زمانی که اختلاط زن و مرد نیاز نباشد، باید تفکیک صورت بگیرد. در دانشگاهها نیز همین‌طور است» (<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=256906>).

حسب نقل قول‌های مذکور یکی از مبناهای نظری تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، نظریه اسلامی جنسیت در نگاه معتقدان به آن است. استفاده از مفهوم نظریه اسلامی جنسیت البته می‌تواند با جایگزینی به نام «قرائت» این اشخاص از اسلام تعدیل شود؛ به این معنا که به لحاظ روشی می‌توان برداشت‌هایی از اسلام را هم متصور شد که در آن ذیل مباحثی در حوزه وجود امکان خطا در جامعه برای تقویت ایمان مؤمن در مبارزه با نفس و شبیه آن یا پس از اثبات مفیدبودن اختلاط در محیط دانشگاهی از طریق علم، با قاعده عدم مغایرت دین با یافته‌های بشری و شبیه آن، اصل موضوع تفکیک جنسیتی در دانشگاه زیر سؤال رود.

به هر تقدیر یکی از مبادی بحث تفکیک جنسیتی، مبنای تئوریک مستنتج از اسلام در قائلان به آن بوده است.

۲. آسیب‌شناسی اجتماعی

صدرالدین شریعتی، رئیس وقت دانشگاه علامه طباطبائی، جلوگیری از ایجاد بسترهای وقوع جرم و جنایت را یکی از ادله اجرای طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها می‌داند:

۱. یادتان هست دو سال قبل، سه سال قبل، سعادت‌آباد، پل مدیریت، آن پسر ۲۸ ضربه چاقو زد به آن دختر خانم. متأسفانه هر دوی آنها دانشجوی ما بودند. دانشجوی دانشکده ادبیات ما بودند. اولش یک خرده جراید دلسوزی کردند و گفتند باید ریشه مشکلات را پیدا کرد؛ اما آخرش چه شد، تمام شد. آن پسر را هم اعدام کردند؛ خدا شاهد است وقتی من پدرش را دیدم آتش گرفتم؛ یک پیرمرد رنج‌دیده و زحمت‌کشیده؛ آخرش چه شد؟ هیچی. آیا اصل مسئله پاک شد؟ ما ریشه‌یابی کردیم، دیدیم اینها کنار هم در کلاس نشسته‌اند، گفتگویی کرده‌اند، خنده‌ای کرده‌اند، پیامکی داده‌اند، پیامکی گرفته‌اند، جزوه‌ای و از این جور چیزها. این پسر خیال کرده است این دختر دلش او را می‌خواهد. بعد رفته خواستگاری و جواب منفی شنیده، بعدش هم تهدید کرده و باقی ماجرا. اینکه ما آمدیم ساماندهی کلاس‌ها را انجام دادیم، به خاطر جلوگیری از همین مفاسد است.

۲. مادری آمد اینجا پیش من گریه می‌کرد، می‌گفت آقای شریعتی دخترم هم شوهر دارد،

هم بچه دارد؛ اما یک پسر دانشجو نشسته است زیر پایش دارد از بین می بردش. رفتم هر دو را آوردم اینجا با آنها صحبت کردم. دیدم خانم فوق لیسانس است، پسر لیسانس. متعجب بودم چطور شده است که این زن فوق لیسانس با یک پسر لیسانس همنشین شده! از خودش پرسیدم، گفت من چند درس پیش نیاز داشتم، من را فرستادند درس های پیش نیاز را در گروه اینها بگیرم و کنار این پسر نشستیم و... مادرش که آمده بود پیش من، گریه می کرد؛ می گفت بعضی شبها ۵ ساعت، ۶ ساعت تلفن به هم می زنند. کار بالا گرفته و شوهر این زن شکایت کرده است و ماجرای که این خانواده را از هم پاشیده است. ما نمی دانیم که اینها چه تبعات اجتماعی در زندگی شان و بچه شان دارد.

۳. شما بروید از معاونت دانشجویی بپرسید این ازدواج هایی که از آشنایی در کلاس و دانشگاه شروع می شود، چقدر دوام دارد؟ اکثرشان به طلاق منجر می شود. همدیگر را در دانشگاه می بینند، دلبستگی پیدا می شود، چهار روز دیگر یک چاخان تر و یک آدم پرروتری پیدا می شود حرف های دیگری می زند و اینها از هم جدا می شوند (<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=256906>).

۳. مسائل روان شناختی و جامعه شناختی زنان

شریعتی می گوید: دخترها می آیند می گویند ما می رفتیم پای تخته گزارش بدهیم، سمینار بدهیم، از آن ته کلاس متلک به ما می گفتند، آب می شدیم پای تخته از خجالت (<http://arshnews.ir/vdcbwzb85rhhb5ap.uiur.html>).

مخالفت تفکیک جنسیتی

طرح تفکیک جنسیتی، علی رغم ادله موافقان، مخالفانی هم داشت. اینها هم با استناد به یک سری ادله با این کار مخالفت می کردند. آنچه در پی می آید، بیان برخی از این ادله و دیدگاههاست: حسن روحانی، کاندیدای وقت ریاست جمهوری، «نداشتن مجوز در قانون اساسی»، «سطحی بودن بحث در زمینه اسلامی سازی دانشگاهها»، «کارشناسی نشدن»، «مخالفت جامعه

با طرح» و «داشتن راهکارهای ساده‌تر برای دغدغه‌های اسلامی - نظیر تذکر دادن» را دلیل نادرست بودن تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها می‌دانست:

در کجای قانون اساسی مجوز تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها صادر شده و از آن سخنی به میان آمده است؟ محروم کردن زنان جامعه از تحصیل در برخی از رشته‌های علمی که بعضاً مطرح می‌شود، بر مبنای کدام طرح و برنامه یا سند علمی و فرهنگی است؟ طرح تفکیک جنسیتی نه دارای کار کارشناسی است و نه با خواست جامعه انطباق دارد. اسلامی کردن دانشگاه‌ها جلو و عقب‌بردن روسری نیست. دختران جامعه ما اهل عفاف هستند و مشکلات در این زمینه با تذکر حل می‌شود (<http://patak68.blogfa.com/post-121.aspx>).

رئیس جمهور وقت، احمدی‌نژاد، هم سطحی بودن و غیرعالمانه بودن را مبنایی برای مخالفت با این طرح می‌دانست (<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=256906>).

۹۳

محمدباقر قالیباف در این باره معتقد بود: در مورد تفکیک جنسیتی اگر بگوییم دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه الزهراء (س) داشته باشیم که مختص خانم‌ها باشد، چه اشکالی دارد؟ اما اگر غرض این است که سر کلاس درس تفکیک جنسیتی انجام دهیم، از نگاه‌های کوتاه‌مدت است و با این حرف‌ها به مقام دانشجو و دانشگاه توهین می‌کنیم. واقعیت آن است که ما باید در دوره مدرسه تا دانشگاه کار را به صورت منطقی دنبال کنیم» (همان). بنابراین «کوتاه‌مدتی» و «توهین به دانشگاهیان» از نظر قالیباف موانع صحت طرح تفکیک جنسیتی بود.

عارف، دیگر کاندیدای ریاست جمهوری یازدهم، هم «بی‌احترامی به دانشجو» را دلیل مخالفت خود با این طرح می‌داند: «تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها بی‌حرمتی به دانشجویان» (همان).

صادق زیباکلام استاد دانشگاه تهران، این طرح را صرفاً بحثی «سیاسی» ارزیابی می‌کند: «این طرح تفکیک جنسیتی) افتخاری ندارد. این موضوع بعد از ۲۲ خرداد ۸۸ مطرح شد. قبل از این زمان این بحث گاهی مطرح می‌شد؛ اما بعد از ۲۲ خرداد ۸۸ به‌طور جدی در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم قرار گرفت. تفکیک جنسیتی به اسلام، علم و دانش ربطی ندارد، بلکه به تبلیغات سیاسی ارتباط دارد. بحث تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها یک پروژه

تبلیغاتی سیاسی بود» (همان).

سعید معیدفر، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، هم معتقد است: «مسلم بدانید اجرای پروژه تفکیک جنسیتی مؤسسات آموزش عالی در آینده موجب افزایش خشونت‌های خانگی، تجاوز جنسی و گسترش فحشا خواهد شد؛ زیرا شناخت درست دو جنس از توانایی‌های یکدیگر را کاهش می‌دهد و متقابلاً تابوی سکسی را جایگزین درک و تجربه انسانی و واقعی از جنس مخالف می‌کند» (همان). بنابراین افزایش جرم و جنایت - بر خلاف نظر قائلان به طرح تفکیک - از دلایل مخالفت معیدفر است.

جعفر توفیقی، وزیر سابق علوم، هم به دلایلی نظیر «تأمین مالی طرح»، «منفی بودن تأثیرات تربیتی و فرهنگی» و «استعلایی بودن» آن، خود را مخالف این طرح معرفی می‌کند:

طرح تفکیک جنسیتی چند سالی است که در بعضی دانشگاه‌ها، به شکل محدود در حال اجراست؛ اما به نظرم باید این تجربه در کشور به دقت بررسی شود و آثار علمی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی آن مورد توجه قرار گیرد که مثلاً هزینه‌های آن را باید از کجا تأمین کرد. از همه مهم‌تر آنکه باید با دانشگاهیان و دانشجویان گفتگو و تبادل افکار و بحث شود تا نقاط ضعف و قوت مشخص شود. همیشه گفته‌ام دانشگاهیان باید در بحث‌هایی که به سرنوشت آنها برمی‌گردد، مشارکت داشته باشند. اما به نظر من به اندازه کافی روی بحث‌های نظری این موضوع، بررسی صورت نگرفت. من به تنهایی هیچ‌گاه موافق آن نبودم و فکر می‌کردم آثار تربیتی، آثار فرهنگی و آثار اقتصادی مثبتی ندارد (همان).

دکتر ابراهیم فیاض، استاد دانشگاه - در مصاحبه با نگارنده - با اشاره به رواج همجنس‌گرایی در میان دانشجویان، بحران را فراتر از این سیاست‌ها و تحلیل‌ها ارزیابی و در نتیجه آن را لغو تلقی می‌کند.

جدول زیر بیانگر ادله موافقان و مخالفان طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌هاست. دلایل زیر

مبانی تئوریک هر دو گروه را مشخص می‌کند:

مخالفان	موافقان
سطحی بودن بحث در زمینه اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها	نظریه اسلامی جنسیت
آسیب‌شناسی اجتماعی	آسیب‌شناسی اجتماعی
روان‌شناسی اجتماعی رفتارهای جنسی، جامعه‌شناسی جنسی	روان‌شناسی زن و جامعه‌شناسی زنان در ایران
کوتاه‌مدت، سطحی، غیرکارشناسی و غیرعالمانه بودن طرح	
استعلایی بودن	
عدم تأمین مسائل اقتصادی و مالی	
سیاسی بودن بحث	
تأثیرات منفی فرهنگی و تربیتی	
توهین به جامعه دانشگاهی	
مخالفت جامعه با طرح	
نداشتن مجوز در قانون اساسی	
وجود راهکارهای ساده‌تر (تذکره‌دادن)	
لغو بودن	

روش اجرا

پس از آنکه سیاست تفکیک جنسیتی با هر مکانیسمی تدوین شد، روش‌های اجرای آن باید ارزیابی گردد؛ توضیح آنکه در بحث اجرا همواره میان قوانین ارائه‌شده توسط سیاستگذاران و عوامل آن سیاست‌ها احتمال اختلاف وجود دارد. «نحوه اجرای سیاست‌ها تا حد زیادی به باورها و شناخت کارمندان وابسته است تا اهداف سیاستگذاران» (دین، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴). در دولت‌های

فدرال، هر ایالت از میزانی استقلال نسبی در مقایسه با دولت مرکزی برخوردار است و در نتیجه می‌تواند در اجرای برخی مصوبات قانونی تعدیلاتی را هم به وجود آورد؛ اما در دولت‌های یکپارچه این مسئله کمتر مشاهده می‌شود (همان). در بحث سیاستگذاری تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها هم اگر اجرای این سیاست ادامه پیدا می‌کرد، علی‌رغم توان عوامل اجرا در تغییر سیاست‌ها یا تعدیل آنها، به دلیل جزئی‌بودن و مشخص‌بودن کامل سیاست، نسخه‌ای تقریباً یکسان از آن مشاهده می‌شد.

در روش‌های اجرای این طرح و آغاز آن، میان صاحب‌نظران اختلافاتی وجود داشت. به باور *حداد عادل* می‌تواند دفعتهاً این فرایند را شکل داد:

معتقدم همان‌طور که بعد از انقلاب در اتوبوس‌ها تفکیک جنسیتی انجام دادیم، می‌توانیم در جاهای دیگر این تفکیک را انجام دهیم. ما در ابتدای انقلاب پس از اینکه این اقدام را در اتوبوس انجام داده‌ایم، مشاهده کردیم که درک این موضوع برای مردم سخت بود؛ ولی امروز این اتفاق عادی شده است و حتی بدحجاب‌ها نیز هیچ مشکلی با این قضیه ندارند. به عنوان یک مسلمان اعتقاد دارم در زمانی که اختلاط زن و مرد نیاز نباشد، باید تفکیک صورت بگیرد. در دانشگاه‌ها نیز همین‌طور است. اگر در یک رشته و برای یک کلاس صد دانشجو وجود دارد و قرار باشد این کلاس در دو تایم تشکیل شود، بهتر این است که کلاس‌ها به صورت مجزا برای خانم‌ها و آقایان تشکیل شود.

از بیان آیت‌الله صافی گلپایگانی - که بحث اجرای طرح را تنها منوط به مسائل مالی می‌دانستند - هم می‌توان نحوه اجرای دفعی را استخراج کرد. اظهارات صدرالدین شریعتی و عمل کرد او در این زمینه هم حاکی از انجام دفعی کار بود:

بنده احساس کردم دانشگاه ما هم توان این کار را دارد و هم شرایط این کار را. مسائل مالی‌اش هم که بهتر شده است. آدمم کلاس‌ها را جدا کردم. شما الآن دفترچه‌های انتخاب رشته را بگیرید، ما در دفترچه‌ها چهار سال است داریم می‌نویسیم: روزانه ۱۵ پسر، ۱۵ دختر، شبانه ۱۵ پسر، ۱۵ دختر. همه دفترچه‌هایمان همین‌طور است. در مجموع در هر کلاس می‌شود ۳۰ دختر، ۳۰ پسر.

بازده کلاس‌هایمان بالا رفته است.

محمدصادق کوشکی می‌گوید: «به فرض اینکه در تفکیک جنسیتی پافشاری صورت گرفته است، مگر در اختلاط جنسیتی که در این هشتادساله در نظام دانشگاهی حاکم بوده، چه خیری دیده‌ایم. بگذارید زمانی هم تفکیک جنسیتی حاکم باشد».

درمقابل، *قالیباف* و *دانشجو*، رئیس دانشگاه آزاد، هم تأسیس دانشگاه‌های تک‌جنسیتی - که مبتنی بر زمان است - را برای این کار پیشنهاد می‌کنند. *دانشجو* این کار را مبتنی بر روحیه آزاداندیشی و حق انتخاب برای دانشجو می‌داند: «آزادمنشی را افزایش دهد که یک موردش هم همین ایجاد دانشگاه‌های تک‌جنسیتی است و ما نیز برنامه ایجاد این دانشگاه‌ها را در دستور کار خود داریم و نگاه فرهیختگی در دانشگاه آزاد بر این محور است که حق انتخاب را برای دانشجو فراهم آورد».

۹۷

بنابراین این دو (*قالیباف* و *دانشجو*) برخوردی دفاعی و آمرانه را رد می‌کنند و احتمالاً تلاش می‌کنند بدون اینکه پتانسیل منفی اجتماعی علیه این طرح به وجود آید، برای کسانی که تمایل دارند، این امکان فراهم شود.

ملاباشی، رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، اجرای دفاعی اما اختیاری کار را صحیح می‌داند: «تفکیک جنسیتی موضوعی است که رؤسای دانشگاه‌ها با وزیر وقت علوم از لحاظ کار فرهنگی در دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار دادند. در این باره پیشنهادات بررسی شد و هیچ اجباری در کار نبود. برخی از دانشگاه‌ها آن را اجرا کردند و نتایج هم گرفتند و برخی هم آن را اجرا نکردند». او نیز گویا با تأکید بر غیراجباری بودن اجرای سیاست، اجرای جبری آن را دارای برخی عوارض می‌داند.

در مقابل، توفیقی انجام کار پژوهشی در این حوزه و استفاده از نظریات دانشگاهیان را لازمه اجرای این طرح می‌داند:

به نظرم باید این تجربه در کشور به دقت بررسی شود و آثار علمی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی آن مورد توجه قرار گیرد که مثلاً هزینه‌های آن را باید از کجا تأمین کرد. از همه مهم‌تر

آنکه باید با دانشگاهیان و دانشجویان گفتگو و تبادل افکار و بحث شود تا نقاط ضعف و قوت مشخص شود. همیشه گفته‌ام دانشگاهیان باید در بحث‌هایی که به سرنوشت آنها برمی‌گردد، مشارکت داشته باشند؛ اما به نظر من به اندازه کافی روی بحث‌های نظری این موضوع، بررسی صورت نگرفت.

از سخنان مخالفان اجرای دفعی طرح می‌توان دغدغه‌ای احتمالی برداشت کرد مبنی بر ترس از ایجاد پتانسیل‌های منفی علیه سیاستگذاران و مجریان این طرح- در سطوح مختلف اعم از سازمانی تا حاکمیتی- یا کاهش سرمایه اجتماعی در کشور. از آنجا که دولت‌ها با سختی زیاد سرمایه اجتماعی را توسعه می‌دهند (کمیسون بهره‌وری استرالیا، ۱۳۸۷، ص ۸۸) باید تلاش شود سرمایه‌هایی که در اثر دین، مذهب، آداب، تاریخ و... تا کنون ایجاد شده‌اند، از بین نروند. «سیاستگذاران همچنین لازم است آگاه باشند که سرمایه اجتماعی، مشخصاً زمانی که با گروه‌هایی که میزان اندکی اعتماد دارند، می‌تواند بیرونی‌های (خروجی) منفی را تولید کند و برای جامعه مضر باشد» (همان).

در نتیجه احتمال اینکه مخالفان اجرای دفعی و اجباری طرح، شامل موافقان یا مخالفان کلیت کار بر مباحثی نظیر سرمایه اجتماعی نظر داشته باشند، بعید به ذهن نمی‌رسد. عباراتی مانند «حق انتخاب»، «عدم اجبار»، «دانشگاهیان» و نظر آنها درباره طرح، «توهین» به دانشجو و دانشگاه و مسائلی شبیه آن، می‌تواند متضمن افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه دانشگاهیان و کمی وسیع‌تر کل جامعه نسبت به نظام و جریان سیاسی حاکم باشد.

توضیح آنکه چنانچه در اثر وارد نکردن بحث سرمایه اجتماعی در سیاستگذاری‌ها، این سرمایه آسیب ببیند، بهبود آن بسیار مشکل و زمان‌بر خواهد بود و از آنجا که افزایش سرمایه اجتماعی تحت سیاست‌هایی مشخصاً با همین عنوان پیگیری نمی‌شود، پیگیری آن از طریق سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دیگر انجام می‌شود (همان، ص ۹۸)؛ بنابراین ممکن است با یک خط‌مشی، سرمایه اجتماعی به شدت آسیب ببیند؛ اما احتمالاً با «چند» خط‌مشی بتوان آن را افزایش داد.

درباره طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، چنانچه حسب نگرانی‌های مخالفان این طرح، قرار باشد سرمایه اجتماعی نظام آسیب ببیند، باید ضرورت آن دوباره بررسی شود و در صورت برتری منافع کار بر زیان آن، این سیاست عملی شود.

ارزیابی

سومین مرحله از یک خط‌مشی «ارزیابی» آن است. در ارزیابی خط‌مشی هم باید بین «برونداد» خط‌مشی و اثر یا «برایند» آن تفاوت قائل شد. برایند خط‌مشی عبارت است از اثرات خط‌مشی بر اوضاع و شرایط جهان واقعی.

دو نوع اثر از خط‌مشی‌ها قابل دریافت است: نمادین و ملموس. منظور از اثرات نمادین، «ادراک» افراد از اقدامات دولت و نوع نگرش آنها به این اقدامات است نه لزوماً اقدامی که نهادهای اجرای خط‌مشی انجام می‌دهند. در عصر تلویزیون و «تصویری‌شدن جوامع» تصویر خط‌مشی عمومی به اندازه خود خط‌مشی یا حتی بیشتر از آن مهم است (Dye, 2007).

پیچیدگی ارزیابی سیاست تفکیک جنسیتی

۹۹

ویکرز می‌گوید هرچه موقعیتی که در آن عمل می‌کنیم، پیچیده‌تر باشد، نتیجه اعمال و انفعالات ما نیز اثبات‌ناپذیرتر است (ویکرز، ۱۳۷۹، ص ۷۴). سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها هم همان‌گونه که در مبانی نظری آن آمد، از جنبه‌های مختلفی قابل تحلیل است. همین امر هم ارزیابی آن را - آن هم در کوتاه‌مدت - دشوار می‌کند؛ مثلاً تحلیل‌هایی که مربوط به ایجاد عقده‌های جنسی در بلندمدت بود یا این سیاست را سبب از بین بردن آشنایی دو جنس نسبت به هم می‌دانست یا آن را منتهی به خشونت‌های خانگی تحلیل می‌کرد، به همین دلیل ارزیابی‌های پوزیتیویستی با محوریت داده‌های آماری - که در کوتاه‌مدت پدید آمده‌اند - نمی‌توانند ابزاری درست برای ارزیابی به شمار آیند.

گفتمان‌مندی برداشت‌ها از اسلام

افزون بر تمامی مسائلی که در بالا در سخت‌بودن ارزیابی این سیاست گفته شد، تمام تشکیک‌هایی که می‌توانست درباره استخراج نظر اسلام در حوزه «شکل‌گیری» سیاست تفکیک جنسیتی مطرح باشد، مانند گفتمان‌مندی آن، می‌تواند در مرحله «ارزیابی» هم خود را نشان دهد و مانعی دیگر بر سر راه ارزیابی این خط‌مشی به شمار آید؛ اما علی‌رغم تمامی این موانع، به

یک ارزیابی کوتاه مدت که مؤید این سیاست است، اشاره خواهد شد.

ارزیابی سیاست

درباره ارزیابی طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها باید گفت از آنجاکه این طرح با تغییر دولت و تغییر رؤسای دانشگاه‌ها ناتمام ماند، نمی‌توان به ارزیابی نتایج بلندمدت آن اشاره داشت و نتایجی که حسب پیش‌بینی کارشناسان، وقوع آنها محتمل شمرده می‌شد و نیازمند گذر زمانی چند بود- مانند ایجاد عقده‌های جنسی، عدم شناخت دو جنس از یکدیگر، افزایش خشونت جنسی و...- امکان ارزیابی شدن را پیدا نکردند.

این عدم ارزیابی در درازمدت هم تا حدودی به دلیلی که گفته شد (زمان‌مندی) بود و هم به دلیل پایان یافتن یا نیمه‌تمام ماندن سیاست متخذه در اثر تغییر دولت و تغییر گفتمان حاکم بر مسئولان آموزش عالی و خارج شدن طرح از دستور کار نظام اجرا، ارزیابی آن هم فراموش شد. در ارزیابی نتایج در کوتاه مدت هم باید مدعیات موافقان را ارزیابی کرد و هم میزان درستی مدعیات مخالفان را. موافقان خط‌مشی با ارائه آمار، مدعی موفقیت طرح هستند؛ برای مثال شریعتی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی «افزایش کیفیت آموزشی» و «کاهش ارتکاب جرم» در دانشگاه را از جمله ثمرات اجرای طرح می‌داند:

استاد به من می‌گوید آقای شریعتی! خدا پدرت را بیمارزد، تو باعث شدی که ما سر کلاس که می‌رویم مثال دخترها را از خودشان بزنیم، پسرها را از خودشان. حالا مطابق شأن خودشان سر کلاس حرف می‌زنیم. تعارف که نداریم! دخترها می‌آیند می‌گویند به ما عزت دادید، ما می‌رفتیم پای تخته گزارش بدهیم، سمینار بدهیم، از آن ته کلاس متلک به ما می‌گفتند، آب می‌شدیم پای تخته از خجالت.

فواید این کار را در رشد کیفی دانشجویان هم می‌بینیم؛ برای مثال از وقتی این کار را کردیم، معدل‌های دانشجویان تا دو نمره رشد کرده است، قبولی‌های ما زیاد شده است. ما سال اول بیش از ۱۲۰۰ مشروطی داشتیم، کلاس‌ها را که مجزا کردیم به کمتر از ۶۰۰ نفر رسید.

من این را به که بگویم! روزی که ما آمدیم، در دانشکده حقوق، بر سر یک دختر چهار تا پسر چاقو کشیدند! باور می‌کنید؟ در دانشگاه چاقو کشیدند! رئیس دانشکده می‌داند، استادهایش می‌دانند؛ موقع امتحانات خرداد بود در همین حیاطی (حیاط دانشگاه علامه) که دارید می‌بینید این اتفاق افتاد؛ اما خدا را گواه می‌گیرم بروید همان حیاط را نگاه کنید، اصلاً همه دانشگاه را نگاه کنید؛ می‌بینید دخترها یک گوشه نشسته‌اند بین دو امتحان سؤال می‌کنند، درس می‌خوانند؛ پسرها هم آن طرف درسشان را می‌خوانند، نه اینها به آنها کار دارند، نه آنها به اینها.

حسب مسئولیت آقای شریعتی در دانشگاه به لحاظ اجرای خطمشی، تنها ایشان از نتایج اجرای سیاست اطلاعاتی ارائه داده‌اند و سایر افراد- چه موافق چه مخالف- تنها به ارائه برخی تحلیل‌ها اکتفا کرده‌اند. طبق آنچه از اظهارات ایشان برآمده است «بالارفتن معدل دانشجویان» یا «افزایش سطح علمی دانشگاه»، «رفتن دانشگاه به سمت جهات علمی در مقابل جهات حاشیه‌ای»، «افزایش امنیت اجتماعی زنان» و «کاهش میزان جرم و جنایت» و «کاهش خیانت‌های زناشویی» از نتایج اجرای این خطمشی بوده است.

درباره مدعیات مخالفان سیاست تفکیک جنسیتی، آنچه قابلیت اندازه‌گیری و ارزیابی را در کوتاه‌مدت دارد، عناوین زیر است که البته مطالعه علمی و روشمندی تا کنون در این باره انجام نشده است:

- توهین به جامعه دانشگاهی؛
- مخالفت جامعه با طرح «اینکه آیا اجرای این سیاست، مخالفت مردم را افزایش داده است یا نه»؛

- استعلایی بودن (تحلیل جامعه نسبت به این سیاست در این باره پس از اجرای آن چیست؟) برای تشخیص اینکه جامعه دانشگاهی چقدر این کار را توهین به خود ارزیابی می‌کند یا اینکه مخالفت جامعه و حس استعلایی آن در جامعه مخاطبان این خطمشی، نیاز به کار میدانی و آماری دارد. اما حسب کندوکاو نگارنده، تا کنون این ارزیابی انجام نشده است^۱ و انجام این کار هم خارج از

۱. شاید دلیل آن، همان خارج شدن طرح از دستور کار باشد.

ظرفیت این نوشتار است. در بخش ارزیابی‌های بلندمدت و مربوط به بخش «برایند»ها هم شاید بتوان تنها به بحث «سرمایه اجتماعی» اشاره و افزایش یا کاهش آن را در قشر دانشجویان ارزیابی کرد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه در علم سیاست‌گذاری، یک خط‌مشی را در سه بعد تدوین، اجرا و ارزیابی تحلیل می‌کنند، در ادامه به نتایج به‌دست‌آمده در این نوشتار در حوزه این سه مرحله-مربوط به سیاست تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها- پرداخته خواهد شد.

سیاست تفکیک جنسیتی، از همان ابتدای موافقان و مخالفان خود را داشت؛ اما در نهایت به دلیل قدرت اجرایی موافقان آن، در برخی دانشگاه‌ها انجام شد و با تغییر دولت، از دستور کار خارج شد. نگاهی به ادله موافقان طرح نشان داد اندیشه اسلامی یا قرائت موافقان از اسلام و دلایل مدیریتی نظیر کنترل آسیب‌های اجتماعی ناشی از اختلاط مهم‌ترین دلیل اجرای این خط‌مشی بوده است. مخالفان هم سادگی بیش از حد راهکار ارائه‌شده در قالب این سیاست برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، نداشتن مجوز در قانون اساسی، توهین به شعور دانشگاهیان، افزایش جرایم جنسی در آینده و غیره را دلیل مخالفت خود با این خط‌مشی عنوان کرده‌اند.

نحوه اجرای این سیاست هم مورد وفاق همه نبوده است. برخی راهکار دفاعی و برخی نیز روش‌های مبتنی بر گذر زمان، نظیر تأسیس دانشگاه‌های تک‌جنسیتی جهت افزایش قدرت انتخاب افراد و در عین حال عدم ایجاد پتانسیل منفی اجتماعی علیه نظام را توصیه می‌کردند. در بخش ارزیابی هم از آنجاکه این طرح به صورت کامل اجرا نشد و در میانه‌های راه با تغییر دولت و رؤسای دانشگاه‌ها از دستور کار خارج شد، ارزیابی نتایج آن هم تقریباً انجام نشد؛ اما موافقان این سیاست با ارائه آمارهایی نظیر افزایش راندمان دانشجویان و کاهش آسیب‌های اجتماعی در دانشگاه، این سیاست را موفق ارزیابی می‌کنند؛ اما از آن طرف در حوزه نتایجی که مخالفان بر اجرای این سیاست مترتب می‌دانستند و عمدتاً هم مربوط به نتایج بلندمدت بود، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

منابع و مأخذ

۱. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده؛ فرآیند سیاستگذاری عمومی؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵.
۲. کمیسیون بهره‌وری استرالیا؛ سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاستگذاری عمومی؛ ترجمه مرتضی نصیری تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
۳. دین، هارتلی؛ سیاستگذاری اجتماعی؛ ترجمه عبدالله بیچرانلو؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۴. ویکرز، سرجفری؛ مدیریت و هنر قضاوت: مطالعه‌ای درباب سیاستگذاری و مدیریت؛ ترجمه جواد طهوریان؛ مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۷۹.
۵. بلیک‌مور، کن؛ مقدمه‌ای بر سیاستگذاری اجتماعی؛ ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه؛ تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹.
۶. فیتزپاتریک، تونی؛ «دیدگاه‌های پسامدرنیست» در ال‌کاک، پیت و دیگران؛ کتاب مرجع سیاستگذاری اجتماعی، ترجمه علی اکبر تاج مزینانی و محسن قاسمی؛ ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق - علیه‌السلام، ۱۳۹۱.
۷. الوانی، سیدمهدی و سیدمحمدحسین هاشمیان؛ «بازخوانی دانش سیاستگذاری در زمینه پست‌مدرنیسم: شکل‌گیری خط‌مشی در عصر پست‌مدرن»؛ روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۵۶، ۱۳۸۷، ص ۹۹-۱۲۲.
۸. سیدمسعود موسوی شفقایی؛ «دفاع از رئالیسم؛ نقد پست‌مدرنیسم»؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۹۲-۹۳، ۱۳۸۴، ص ۸۴-۸۹.
۹. کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ سیدجواد ترجمه مصطفوی؛ چ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۰. —؛ الفروع من الکافی، ج ۵، چ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۳۰ق.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی